

نگاهی به تخریب خانه ملک الشعرای بهار به بیانه سالروز تولد این شاعر

غار بی توجهی روى خانه های تاریخی

مهدی عباسی



دروازه دولت که شامل یک حیاط بزرگ اندرونی می شده که با ساختمان مسکونی دور تا دور آن و با غیر بزرگ و پراز گل و گیاه، بهار آن را در سال ۱۳۱۰ از خانواده هدایت خریده بود. ساختمان نیمه تمام آن را تکمیل و به منزل بزرگ و جاداری برای خانواده تبدیل کرده بود. بنای موجود در این خیابان نیز به سبک بنایی خیابان هایی با شکل جدید (خیابان طالقانی) ساخته شده است. اما فقط این مباحثت به خانه بهار ختم نمی شود؛ خانه پیرنیا، خانه اتحادیه، مدرسه دارالفنون و بسیاری موارد دیگر، وجود دارند که گرد بی توجهی روی آنها ریخته شده است.

آن مانند ملک الشعرای بهار ساخته شدن که با توجه به مسائل عنوان شده، خانه قدیمی ملک الشعرا از مصادیق بارز هویت ساخت خیابان ملک الشعرا و طالقانی بوده و نشان دهنده دوران تاریخی ساخت این بنا و احداث خیابان های مربوط به آن است. شاید میراث فرهنگی دلیل بی توجهی به این خانه را تا چند سال پیش، ابیار شدن آن توسط یکی از مستاجران آن بداند، اما حالا هفت سال از تخلیه آن بخش ها توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می گذرد و حالا زندگی روزمره ای که براساس ضوابط و قوانین میراث فرهنگی است، در خانه جریان دارد. گفتنی است، خانه بهار باغ بزرگی بوده در بیرون از

پس از تخریب شدن دروازه های قاجاری تهران توسط رضا شاه، دوره ای از شهرسازی مدرن در تهران آغاز شد و به سرعت پیشرفت کرد، به شکلی که خیابان انقلاب درست پس از محل قدیمی بارو و خندق اطراف آن ساخته شد و متعاقب آن، خیابان های فرعی متصل به آن سامان یافتند. از آن جمله می توان از خیابان های بهار، خاقانی، جاده قدیم شمیران، فردوسی و... نام برد که به مرور زمان و تا پایان دوران پهلوی اول شکل کامل تری به خود گرفت و بنای ارزشمندی در اطراف آن ساخته شد. در همین دوران، یعنی فاصله زمانی اواخر پهلوی اول و اوایل پهلوی دوم خیابان های مهم تری مانند خیابان تخت جمشید (طالقانی) و فرعی های متصل به

۱۶ آبان سالروز تولد ملک الشعرای بهار است. اگر روزی «مرغ سحر ناله سر کن» برای آزادی سروده شده بود، امروز «مرغ سحر» ملک الشعرای بهار، برای خانه خود شاعر این بار «ناله سر می کند». خانه ای که این روزها گرد تخریب و بی توجهی بر روی آن نشسته است. گرد و غباری که برای رفتگش دل به تدبیر دولت یازدهم بسته تا سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، روح تازه برای احیای خانه های تاریخی ایران و بالخصوص تهران، بدمد.

انتهای کوچه گوهر در خیابان ملک الشعرای بهار، خانه ای است که در انزوای کوچه، گیر کرده است. اینجا خانه منتبه به ملک الشعرای بهار است. اگرچه اهالی آن کوچه به هر دلیلی، می کوشند این موضوع را تکذیب کنند و آدرس های دیگری را اعلام می کنند. خانه ای که روز به روز بیشتر به سمت تخریب پیش می رود و هنوز برای احیای آن چاره ای اندیشیده نشده است. روزی اینباری بوده و اینک فقط کلاغ ها هستند که هر روز روی درختان حیاط این خانه می نشینند و اجازه ورود دارند. هر چند این خانه تاریخی، دوم بهمن ماه ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و حدود ده سال از شناسایی و ثبت آن می گذرد، اما به نظر می رسد هنوز پرونده مرمت خانه ملک الشعرای بهار باز نشده است. جالب اینجاست که تا هفت سال پیش، سه چهارم خانه به عنوان اینبار در اختیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بوده و در آن، لوازم اداری فرسوده را نگهداری می کردد تا اینکه گویا سازمان اسناد در سال ۱۳۸۵ این خانه را تخلیه کرده است.

در باره این خانه هر از چند گاهی، نوشته هایی منتشر شده، ولی اگر چاره ای اندیشیده نشود، بعد نیست تمام خاطرات این خانه و خانه هایی از این دست، زیر یون ریزی فونداسیون های ساخت و ساز های جدید له شود. می گویند، خانه بهار به دلیل شخصیت فرهنگی و ساده مالک آن، تزیینات ندارد و به نوعی نشان دهنده نوع فکر خاص ملک الشعراست. در ساخت این بنای مصالح مرسم همان دوران مانند آجر قزاقی، چوب، موزاییک، شیشه، گچ، تیر چوبی و تیر آهنی استفاده شده است. از معمار این بنای نیز اطلاع دقیقی در دست نیست. خانه از نظر ساخت، شکلی بسیار ساده دارد و خلاقیت و نوآوری ویژه ای در آن دیده نمی شود.